



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

بررسی مبانی نظری مجازات‌های تعزیری و بازدارنده (کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی)

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر غلامی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر میرسعیدی

نگارش:

مینا افزلیان

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

بهمن ۱۳۸۷



چکیده

مجازات به عنوان ابزاری دردناک، رنج آور و رسوا کننده همواره نیاز به توجیه و مشروعیتی قوی داشته و دارد. در همین راستا (توجیه نهاد مجازات) نظریه های بسیاری ارائه شده که مهمترین آنها عبارتند از دو نظریه کلان : سزادهی (گذشته نگر) و فایده گرایی (آینده نگر).

نظریه سزادهی اعمال مجازات را با تأکید بر جرم ارتکاب یافته توجیه می کند و به عبارتی مجرم را مستحق مجازات می داند. در مقابل نظریه فایده گرایی و ابزارهای آن (باز دارندگی، سلب توان بزهکاری و اصلاح و درمان) برای نیل به اهدافی در آینده (کاهش نرخ ارتکاب جرم) اعمال مجازات را توجیه می کند. تأثیر پذیری از هر کدام از این نظریه ها سیاست جنایی یک کشور را به سمت تعیین نوع و میزان خاصی از مجازات سوق می دهد.

قانون گذار ایران در تعیین مجازاتهای کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی با عنایت به اینکه از یک سو توجه خود را در تعیین مجازات به نوع و شدت جرم معطوف نموده و از سوی دیگر از میان انواع مجازاتها تأکید بیشتری بر کاربرد مجازات حبس داشته، هم سزاگرا بوده و هم فایده گرا، البته از میان ابزارهای فایده گرایی بیشتر متمایل به نظریه بازدارندگی و تاحدودی نظریه سلب توان بزهکاری بوده است .

تقدیم و سپاس

تقدیم به پدرم ، اسوه تلاش و صلابت و مادرم ، مهربان ترین دنیا.

باسپاس فراوان از آقای دکتر حسین غلامی ، آقای دکتر سید منصور میرسعیدی و آقای دکتر حسن مرادی که با صبر و شکیبایی بسیار مسئولیت راهنمایی ، مشاوره و داوری رساله را تقبل فرمودند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۱	۱. بیان موضوع.....
۲	۲. سوالات، فرضیات و متغیرها.....
۳	۳. سابقه تحقیق و اهمیت آن
۴	۴. روش و ساختار کلی تحقیق.....
۵	بخش اول : شناخت نظریه های توجیه کننده مجازات.....
۸	فصل اول: نظریه های سزاگرا.....
۸	مبحث اول: سزادهی محض، کلاسیک.....
۹	گفتار اول: بیان نظریه.....
۱۶	گفتار دوم: ویژگیهای نظریه.....
۱۹	مبحث دوم: سزادهی تعدیل یافته، نوین.....
۲۰	گفتار اول: بیان نظریه.....
۲۳	گفتار دوم: ویژگیهای نظریه.....
۲۶	فصل دوم: نظریه های فایده گرا
۲۷	مبحث اول: بازدارندگی.....
۲۹	گفتار اول: بیان نظریه.....
۳۳	گفتار دوم: ویژگیهای نظریه.....
۳۵	مبحث دوم: سلب توان بزهکاری.....
۳۶	گفتار اول: بیان نظریه.....

۴۰ گفتار دوم: ویژگیهای نظریه
۴۱ مبحث سوم: اصلاح و درمان
۴۲ گفتار اول: بیان نظریه
۴۴ گفتار دوم: ویژگیهای نظریه
۴۷ بخش دوم: مبانی نظری مجازاتهای تعزیری و بازدارنده
۵۰ فصل اول: معرفی کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی
۵۱ مبحث اول: شناخت مجازاتهای تعزیری و بازدارنده
۵۲ گفتار اول: تعریف مجازاتهای تعزیری و بازدارنده
۵۲ ۱. تعریف مجازاتهای تعزیری
۵۵ ۲. تعریف مجازاتهای بازدارنده
۵۷ گفتار دوم: نوع مجازاتهای تعزیری و بازدارنده
۵۸ ۱. دیدگاه انحصار تعزیر
۵۹ ۲. دیدگاه تنوع تعزیر
۶۱ گفتار سوم: میزان مجازاتهای تعزیری و بازدارنده
۶۲ ۱. میزان مجازات شلاق تعزیری
۶۲ ۲. میزان مجازاتهای تعزیری غیر شلاق
۶۳ گفتار چهارم: سابقه تقنین مجازاتهای تعزیری و بازدارنده
۶۴ ۱. سابقه تقنین مجازاتهای تعزیری
۶۵ ۲. سابقه تقنین مجازاتهای بازدارنده
۶۶ مبحث دوم: وضعیت انواع مجازاتها در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی
۶۷ گفتار اول: حبس
۶۸ ۱. میزان کاربرد (کمیت)

۷۰ ۲. نوع کاربرد (کیفیت)
۷۲ گفتار دوم: جزای نقدی
۷۳ ۱. میزان کاربرد (کمیت)
۷۳ ۲. نوع کاربرد (کیفیت)
۷۵ گفتار سوم: شلاق
۷۵ ۱. میزان کاربرد (کمیت)
۷۶ ۲. نوع کاربرد (کیفیت)
۷۸ گفتار چهارم: سایر مجازات‌ها
۷۸ ۱. اعدام
۷۹ ۲. محرومیت - انفصال
فصل دوم: شناخت نظریه‌های تأثیرگذار در تعیین مجازات‌های تعزیری و	
۸۰ بازدارنده
مبحث اول: چگونگی توزیع مجازات‌ها در انواع جرایم مستوجب مجازات‌های تعزیری و	
۸۱ بازدارنده
۸۲ گفتار اول: جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی
۸۲ ۱. جرایم علیه امنیت
۸۳ ۲. جرایم علیه آسایش عمومی
۸۶ گفتار دوم: جرایم علیه اشخاص
۸۶ ۱. جرایم علیه تمامیت جانی و جسمانی
۸۷ ۲. جرایم علیه تمامیت معنوی
۸۹ گفتار سوم: جرایم علیه اموال
۸۹ ۱. جرایم علیه اموال عمومی

- ۹۱ ۲. جرایم علیه اموال خصوصی
- ۹۲ گفتار چهارم: سایر جرایم
- ۹۳ ۱. جرایم علیه امنیت قضایی
- ۹۳ ۲. جرایم علیه میراث فرهنگی
- ۹۶ ۳. جرایم علیه نظم عمومی
- ۹۷ ۴. جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی
- ۹۸ ۵. جرایم علیه حقوق و تکالیف خانوادگی

مبحث دوم: تطبیق سیاست جنایی ایران در تعیین مجازاتهای تعزیری و بازدارنده

- ۱۰۰ با نظریه های توجیه کننده مجازات
- ۱۰۱ گفتار اول: نظریه های تأثیرگذار در حوزه جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی
- ۱۰۲ ۱. حوزه جرایم علیه امنیت
- ۱۰۳ ۲. حوزه جرایم علیه آسایش عمومی
- ۱۰۴ گفتار دوم: نظریه های تأثیرگذار در حوزه جرایم علیه اشخاص
- ۱۰۴ ۱. حوزه جرایم علیه تمامیت جانی و جسمانی
- ۱۰۴ ۲. حوزه جرایم علیه تمامیت معنوی
- ۱۰۵ گفتار سوم: نظریه های تأثیرگذار در حوزه جرایم علیه اموال
- ۱۰۵ ۱. حوزه جرایم علیه اموال عمومی
- ۱۰۶ ۲. حوزه جرایم علیه اموال خصوصی
- ۱۰۷ گفتار چهارم: نظریه های تأثیرگذار در حوزه سایر جرایم
- ۱۰۷ ۱. حوزه جرایم علیه امنیت قضایی
- ۱۰۷ ۲. حوزه جرایم علیه میراث فرهنگی
- ۱۰۸ ۳. حوزه جرایم علیه نظم عمومی
- ۱۰۸ ۴. حوزه جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی

۱۰۸۵. حوزه جرایم علیه حقوق و تکالیف خانوادگی
۱۱۳نتیجه گیری و پیشنهادها:
۱۱۷فهرست منابع:

مقدمه

۱- بیان موضوع

از زمانی که تجاوز به مقررات و انضباط زندگی اجتماعی به عنوان جرم شناخته شد، مجازات نیز به عنوان واکنش اجتماع علیه بزهکار متولد گردید. مجازات به عنوان واکنش رسمی و قانونی نسبت به نقض قانون که جسم، مال، حقوق و آزادی های بزهکار را مورد حمله و تجاوز قرار می دهد، به تبع واجد خصوصیتی از قبیل رنج آوری، رسوا کنندگی و ... است. وجود همین خصوصیات در نهاد مجازات موجب می شود که تعیین و تحمیل آن به صورت آمرانه از طرف هیأت حاکمه بر بزهکار، نیازمند توجیه و مشروعیتی قوی باشد.

آگاهی به این توجیهات و به عبارتی درک درست از فلسفه مجازاتها، در نظام جزایی تأثیر مهمی در شکل گیری ساختار آن نظام و تعیین مجازاتها خواهد داشت.

نظریه پردازان حقوق کیفری در راستای تبیین فلسفه مجازات، روشن ساختن مبنای کیفر و در واقع کشف پایه های ناپیدای کیفر، نظریه های متعددی را طرح نمودند. ساختمان اصلی هر کدام از این نظریه ها با تأکید بر هدف و یا اهداف خاصی از مجازات شکل گرفته و نیل به همین اهداف به عنوان محور اصلی نظریه، بنیان گذاران و طرفداران آن نظریه را به سمت اعمال و کاربرد نوع خاصی از مجازات سوق داده است.

لذا با بررسی دقیق و تجزیه و تحلیل انواع مجازاتهای تعیین شده در یک نظام جزایی، می توان پی برد که بنیان گذاران آن نظام جزایی چه هدف یا اهدافی را از تعیین و اعمال مجازات مد نظر داشته و به تبع متمایل به کدام نظریه یا نظریه های توجیه کننده مجازات بوده اند.

حصول این نتیجه، یعنی شناخت نظریه یا نظریه های تأثیر گذار در سیستم تعیین مجازات در یک نظام جزایی، از یک سو نیازمند شناخت دقیق نظریه های مهم توجیه کننده مجازات و ویژگیهای بارز آنهاست، و از سوی دیگر بررسی دقیق و تهیه آمار از مجازاتهای تعیین شده در آن نظام را می طلبد.

قصد ما در این نوشتار بر این است که با پیاده نمودن فرمول فوق بر کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ به این مهم دست یابیم که قانون گذار ایران در تعیین مجازاتهای تعزیری و بازدارنده از آموزه های کدام نظریه یا نظریه های توجیه کننده مجازات تأثیر پذیرفته و به عبارتی سیاست جنایی ایران در تعیین نوع و میزان مجازاتهای تعزیری و بازدارنده با ویژگیهای کدام نظریه یا نظریه های توجیه کننده مجازات قابل تطبیق است؟

۲- سوالات، فرضیات و متغیرها

نگارنده سعی دارد که در این رساله پاسخگوی سه سوال ذیل باشد: (لازم به ذکر است که سوالات دوم و سوم در صورت مثبت بودن پاسخ سوال اول، موضوعیت نخواهد داشت).

الف) آیا با یک نظریه واحد می توان همه مجازاتهای تعزیری و بازدارنده (موضوع کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی) را توجیه نمود؟

ب) چه نظریه هایی از میان نظریه های مهم توجیه کننده مجازات در وضع مجازاتهای تعزیری و بازدارنده، تأثیر گذار بوده است؟

ج) کدام یک از نظریه های تأثیر گذار در وضع مجازاتهای تعزیری و بازدارنده، تأثیر غالب و چشم گیری داشته است؟

مطابق با سوالات تحقیق سه فرضیه نیز مطرح است:

الف) قانون گذار ایران در وضع مجازاتهای تعزیری و بازدارنده تنها یک نظریه را به عنوان مبنا پذیرفته و سیاست جنایی ایران در تعیین این مجازاتها سیاستی تکثرگراست و نه وحدت گرا.

ب) در تعیین مجازاتهای تعزیری و بازدارنده از یک طرف نظریه سزادهی و از طرف دیگر نظریه های بازدارندگی (اعم از عام و خاص) و سلب توان بزهکاری به عنوان زیر مجموعه های نظریه کلان فایده گرایی تأثیر گذار بوده اند.

ج) در وضع مجازاتهای تعزیری و بازدارنده نظریهٔ بازدارندگی به عنوان یکی از زیر مجموعه های نظریه فایده گرایی، تأثیر غالب داشته است.

متغیرهای مربوط به تحقیق نیز عبارتند از:

متغیر مستقل: نظریه های عدالت کیفری

متغیر وابسته: مجازاتهای تعزیری و بازدارنده

۳- سابقهٔ تحقیق و اهمیت آن

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد کتب و مقالاتی از یک سو به بررسی و شرح نظریه‌های توجیه کننده مجازات و از سوی دیگر به بررسی مجازاتهای تعزیری و بازدارنده به طور مجزا پرداخته اند، ولی هیچ کدام به تطبیق این نظریه ها با سیاست کیفری ایران در تعیین مجازاتهای تعزیری و بازدارنده نپرداخته اند. از جمله می توان به:

۱- کتاب مبانی عدالت جزایی تألیف آقای محمد رضا ظفری، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۷

۲- پایان نامه دکتری آقای جعفر یزدیان جعفری با عنوان بررسی مبانی و چگونگی تعیین مجازات متناسب در حقوق کیفری، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

۳- پایان نامه کارشناسی ارشد آقای حسین جعفری با عنوان فلسفه مجازاتها در اندیشه های کیفری غرب و نظام حقوقی اسلام، مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۸۴.

۴- پایان نامهٔ کارشناسی ارشد آقای محسن عینی نجف آبادی با عنوان مبنا و ماهیت تعزیر، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵.

در باب اهمیت این تحقیق نیز باید گفت: از آنجا که قسمت عمده جرایم ارتكابی در حال حاضر، از نوع جرایم مستوجب مجازاتهای تعزیری و بازدارنده است و قضات کشور نیز بیشتر این دسته از مجازاتها را در قالب حکم خود می گنجانند، لذا انجام چنین تحقیقات ریشه ای و بنیادی جهت شناخت مبانی و اهداف وضع این دسته از مجازاتها ضروری جلوه می کند زیرا شناخت مبانی و اهداف

مجازاتهای تعزیری و بازدارنده می تواند راهنمای قضات در استفاده بهتر و مؤثرتر از این گروه از مجازاتها باشد و همچنین به اجرای هر چه بهتر آنها نیز کمک کند.

۴- روش و ساختار و کلی تحقیق

روش مورد استفاده نگارنده در این رساله روش کتابخانه ای است. بدین ترتیب که تا حد امکان از مقالات و کتب موجود در این زمینه و همچنین لایحه کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مشروح مذاکرات نمایندگان مجلس شورای اسلامی در زمان تصویب آن و نظریه شورای نگهبان نسبت به مصوبه مجلس شورای اسلامی جهت پاسخ به سوالات رساله استفاده گردیده است.

ساختار کلی تحقیق نیز از این قرار است که رساله به دو بخش تقسیم می گردد: در بخش اول طی دو فصل به شرح نظریه های مهم توجیه کننده مجازات اعم از نظریه های سزا گرا و نظریه های فایده گرا (بازدارندگی، سلب توان بزهکاری، اصلاح و درمان) و معرفی ویژگیهای آنها خواهیم پرداخت و در بخش دوم نیز طی دو فصل، ابتدا چگونگی توزیع انواع مجازاتها در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و سپس به تطبیق سیاست کیفری ایران در تعیین مجازاتهای تعزیری و بازدارنده با نظریه های توجیه کننده مجازات خواهیم پرداخت.

بخش اول

شناخت نظریه‌های

توجیه کننده مجازات

مجازات به عنوان واکنش رسمی جامعه در مقابل پدیده مجرمانه (نقض هنجارها و ارزشها) که از طرف هیأت حاکمه بر مرتکب جرم تحمیل می شود و واجد خصوصیتی از قبیل رنج آوری و رسوا کنندگی و ... بوده و غالباً نسبت به تحمل کننده دردناک و ناگوار است، نیاز به توجیه و مشروعیتی قوی دارد.

به عبارتی مجازات وضع شده توسط مقنن باید پشتوانه داشته باشد. این پشتوانه همان مبنای مجازات است که در موقع تعیین کیفر باید مورد توجه قانونگذار قرار گیرد تا مجازات تعیین شده مشروعیت یابد.

قبل از ارائه تعریف از مبنای مجازات باید مبنای حقوق را تعریف نمود، دکتر کاتوزیان در تعریف مبنای حقوق چنین می نویسد:

"مقصود از مبنای حقوق پایه و دلیل نیرویی است که آن قواعد در جامعه دارد،"^۱

مبنای مجازاتها نیز جزئی از مباحث فلسفی مبنای حقوق می باشد و در تعریف مبنای مجازاتها می توان گفت که: ریشه ها و نیروهایی است که در ورای مجازاتها جا گرفته و تحمیل مجازات بر مجرم را از طرف هیأت حاکمه توجیه می کند.

بنابراین مبنای مجازات نیروی توجیه کننده حق کیفر دادن افراد توسط جامعه است. به تعبیر دیگر وقتی کسی مرتکب جرم می شود این مبنای مجازات است که باعث می شود به کیفر رساندن مجرم توسط جامعه از سوی سایر افراد توجیه پذیر تلقی گردد و مردم این اعمال مجازات را غیر عادلانه تلقی نکنند و همچنین خود مرتکب جرم هم تسلیم شده و تن به اعمال مجازات دهد.

برای شناخت کیفر و آشنایی با کیفرشناسی نه تنها آگاهی از قوانین کیفری، که شناخت فلسفه کیفر، علل جامعه شناسی و روان شناختی تولد و مرگ آن و نیز اهداف توجیه کننده اعمال آن اهمیتی بسزا دارد. این اهمیت هم در سطح قانون گذاری و سیاست گذاری و هم در مقام تعیین، اجرا

۱- ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق (انتشارات شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۷، ج۳)، ص ۱

و اعمال کیفر سرنوشت ساز است.^۲ بنابراین آگاهی و شناخت مبانی کیفر واجد اهمیت فراوان است. به گونه ای که امروزه مهمترین عامل بروز مشکلات جاری در سیستم کیفری عدم شناخت اهداف و مبانی کیفر است.

از دو منظر و رویکرد کاملاً متفاوت می توان به مسئله توجیه مجازاتها پرداخت:

الف) دیدگاه گذشته نگر یا واپس گرا (سزادهی)

ب) دیدگاه آینده نگر یا غایت گرا (فایده گرایی)

در این بخش ، این دو رویکرد به ترتیب تحت عناوین نظریه های سزا گرا و نظریه های فایده گرا در دو فصل مجزا به عنوان مهمترین و پذیرفته شده ترین نظریه های توجیه کننده مجازات مورد بررسی قرار خواهند گرفت. لازم به ذکر است که قصد ما در این بخش صرفاً معرفی اجمالی این نظریه ها و بیان محور اصلی و ویژگیهای بارز آنها می باشد.

۲- علی صفاری، کیفرشناسی و توجیه کیفر (انتشارات سلسبیل، تهران، ۱۳۸۴، ج ۲)، ص ۹.

فصل اول: نظریه های سزاگرا

در نظریه های سزاگرا بر خلاف نظریه های پیامدگرا توجه به نتایج بعدی مجازات ملاک نیست بلکه تأکید بر خطائی است که مجرم در گذشته انجام داده است. به عبارتی این نظریه ها جهت گیری کیفر را با گذشته یعنی ویژگی جرم ارتكابی مرتبط می دانند و به همین دلیل به این نظریه ها گذشته نگر و یا واپس گرا (عطف به ماسبق کننده) نیز گفته می شود.

تأکید بر ملاحظاتی همچون استحقاق مجازات و تناسب مجازات با جرم ارتكابی مثالهایی از این نوع رویکردند. در این رویکرد هدف اصلی خطای خاصی است که مجرم قبلاً مرتکب آن شده است، نه آثاری که بعداً از مجازات حاصل می آیند.^۳

از مهمترین و پذیرفته شده ترین نظریه های سزاگرا، نظریه یا مدل سزادهی است که از آن به "اجرای عدالت"، "نقش اخلاقی کیفر" و یا "مکافات عمل" نیز یاد شده است. این نظریه تا مدتها بعد از پیدایش، به عنوان نظریه غالب مورد توجه بود. البته بعد از ظهور اندیشه اصلاح و بازپروری تا حدودی از میزان توجه به این نظریه کاسته شد ولی در آغاز دهه ۱۹۷۰ با افول نظریه اصلاح و درمان مجدداً نظریه سزادهی با اندک تغییراتی ظهور کرد. به همین جهت این نظریه را طی دو مبحث ذیل بررسی خواهیم کرد.

مبحث اول: نظریه سزادهی محض، کلاسیک (*Retribution*)

این نظریه در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم به صورت رسمی مطرح گردید. البته برخی را عقیده بر این است که فلاسفه یونان از مبتکرین و یا طرفداران نخستین این دیدگاه هستند. در این نظریه تأکید بر عمل ارتكابی یعنی جرم قرار دارد. به عبارتی می توان گفت که :

سزادهی یکی از فلسفه های مجازات است که در آن تأکید اصلی به جای مجرم و اوضاع و احوال شخصی یا فشارهایی که وی برای ارتكاب جرم با آنها روبه رو بوده، بر عمل مجرمانه قرار می گیرد.

۳- جان کاتینگهام، «فلسفه مجازات»، ترجمه محمدرضا ظفری، مجله نقد و نظر، سال سوم، شماره ۴، ص ۱۸۰.

یعنی عمل مجرمانه به وسیله جزا و سزای رنج آوری که باید حداقل مساوی با رنج و عذابی باشد که به واسطه وقوع جرم ایجاد گردیده به مجازات برسد.

اما نوئل کانت فلیسوف مشهور آلمانی و ژوزف دو مستر عالم مذهبی فرانسوی پایه گذاران مکتب عدالت مطلق از معتقدان و پیروان این نظریه هستند. هر دو هدف مجازات را اجرای عدالت دانسته و با فایده اجتماعی مخالف اند.

گفتار اول: بیان نظریه

نظریه سزادهی محض با نگاهی به گذشته این حقیقت را دلیل اعمال مجازات می داند که مجرم به دلیل ارتکاب عمل خطا مستحق مجازات می باشد.^۴ این نظریه مجازات نمودن مرتکب را این گونه توجیه می کند، که چون مرتکب نسبت به ارزشهای اجتماعی یا اخلاقی و مذهبی (یا هر نوع ارزش یا هنجار مورد احترام جمع) بی حرمتی نموده است مستحق مجازات است.^۵

به موجب این نظریه ارتکاب جرم موجب ایجاد نوعی عدم توازن می شود که مجازات تنها وسیله رفع آن است. هر چیز دیگر برای اعاده توازن از دست رفته غیر قابل قبول و ناعادلانه است. بنابراین سزا دادن مرتکب تنها طریق جبران بی حرمتی آزادانه به این ارزشهاست.

به موجب نظریه سزادهی، مجازات هیچ هدفی جز ایجاد موازنه میان جرم و مجازات با تحمیل سزای عمل ارتكابی دنبال نمی کند.^۶

این نظریه توجیه کیفر را صرفاً استحقاق و شایستگی بزهکار می داند و معتقد است که بزهکار باید کیفر شود تنها به این دلیل که مرتکب جرم شده است، نه به این دلیل که تنبیه او متضمن منافی برای خود او (باز پروری) یا بزه دیده (تشفی خاطر) یا جامعه (کاهش جرم در آینده) است. به عبارتی نگاه سزاگرایان به عمل گذشته است نه منفعت آینده. بنابراین معیار در تعیین مجازات نیز صرفاً

۴- سید یزدالله طاهری نسب، تعدد و تکرار جرم در حقوق جزا (انتشارات دانشجو، تهران، ۱۳۸۱)، ص ۱۹.

۵- علی صفاری، پیشین، صص ۱۰۳-۱۰۴.

۶- حسین غلامی، تکرار جرم (انتشارات میزان، تهران، ۱۳۸۷)، ص ۵۱.

همان جرم گذشته خواهد بود و نه فواید آتی آن و اینکه چه مقدار باید مجرم کیفر شود را در همان عمل گذشته وی باید جستجو کرد.^۷

دکتر اردبیلی در توضیح این نظریه می گوید:

"تحمیل مجازات به تلافی ستمی که روا یافته است، پاداش کسانی است که از حریم خود تجاوز کرده‌اند و نظم اخلاقی را آشفته ساخته اند، بنابراین به مصداق، پاداش بدی، بدی است، خطا کار باید تاوان بدکاری خود را بپردازد"^۸.

همچنین ایشان در جای دیگر در توضیح توجیه مجازات به موجب نظریه سزادهی می گوید:

"عدالت اقتضا می کند کار زشت بی کیفر نماند، بزهکار مدیون جامعه است و باید از طریق تحمل مجازات دین خود را ادا کند"^۹.

به موجب این نظریه فلسفه مجازات بر محور جرم ارتكابی شکل می گیرد و هدف اصلی اعمال کیفر، سزا دادن مجرم متناسب با جرم ارتكابی است. چرا که جرم ارتكابی نظم اخلاقی و عدالت را مختل نموده و کیفر باید نظم مختل شده را دوباره ترمیم کند و تعادل از دست رفته را در جامعه برقرار کند. به عبارتی مجازات اثر وضعی یا مکافات ستمی است که مجرم به جامعه روا داشته است. فون هیرش از نظریه پردازان حقوق کیفری در کتاب "برقراری عدالت" در توضیح نظریه سزادهی اظهار می دارد که:

"مفهوم مجازات به عنوان یک الگوی نظری برای راهنمایی خط مشی عادلانه است. این نگرش علمی و مفید ادعا می کند که مجازات برای حفظ عدالت اجتماعی که بوسیله جرم مختل گردیده لازم است. با این وجود او ادعا می کند که شدت مجازات باید متناسب با اهمیت جرم باشد. نظر وی را می توان به این شرح خلاصه نمود:

۷- محمد صدری توحید خانه، مبانی و تحولات نظریه استحقاق در فلسفه کیفر و مطالعه تطبیقی در حقوق اسلامی، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۶، صص ۲۷-۲۸.

۸- محمد علی اردبیلی، حقوق جزای عمومی (انتشارات میزان، تهران، ۱۳۸۱، ج ۱)، ص ۳۹.

۹- همان، ص ۱۲۶.

۱- کسانی که حقوق دیگران را زیر پا می گذارند مستحق مجازات‌اند.

۲- ما نباید ناآگاهانه به رنج کسانی که مجازات آنها را به کیفر می رساند اضافه کنیم.

۳- به هر حال مجازات ممکن است از وارد آمدن مصیبت های بیشتری جلوگیری کند. این نتیجه

گیری نیاز به مجازات بر مبنای استحقاق را ایجاب می کند.^{۱۰}

وی همچنین اظهار می دارد که تئوری استحقاق با حقوق متهمان نیز در ارتباط می باشد. حقوق شخصی که مورد مجازات قرار گرفته نباید به خاطر دیگران بیش از اندازه پایمال شود (همانند بازدارندگی). با بزهکار نباید بیشتر یا کمتر از آنچه که با توجه به مشخصات جرمش موجه گردیده و سزاوار سرزنش است رفتار شود. وی برای مثال این پرسش را مطرح می کند: اگر دو مجرم الف و ب به طور مساوی خطرناک باشند اما معلوم شود که تنبیهات شدید فقط در مورد شخص الف می تواند اثر بازدارنده داشته باشد آیا این منصفانه است که صرفاً برای بازداشتن دیگران از ارتکاب جرم، شخصی را که مرتکب جرم الف شده با خشونت بیشتری مجازات کنیم، برعکس صادر نمودن یک حکم سبک برای یک مجرم خطرناک به دلیل اینکه با یک بزهکار کمتر از آنچه که سزاوارش بوده رفتار گردیده ناعادلانه می باشد.^{۱۱}

بنابراین هدف اصلی مجازات براساس این دیدگاه ایجاد عدالت و بازسازی نظم اخلاقی مختل شده در جامعه از طریق کیفر دادن به مجرم می باشد. مجرم با ارتکاب جرم استحقاق مجازات را پیدا می کند و باید به همان اندازه که استحقاق پیدا کرده است مجازات شود. بنابراین اعمال مجازات خود هدف است، چون عدالت را برقرار می کند و مجرم را به آنچه استحقاق پیدا کرده است می رساند. معیار تعیین مجازات نیز خود جرم ارتكابی است.^{۱۲}

¹⁰Larry. J. Sigel, *criminology (theories, patterns, and typologie)* 2000, pp.140-141

¹¹.Ibid.

۱۲- قدرت الله خسرو شاهی، «فلسفه مجازات از دیدگاه اسلام»، مجله بصیرت، شماره ۲۳-۲۴، ص ۴۷.